فهرست مطالب

[مکتب اخباری‌گری 3](#_Toc396721118)

[شخصیت اصلی 3](#_Toc396721119)

[دستاوردهای این دوره 3](#_Toc396721120)

[ارتباط اخباری‌گری با دیگر جریانات و ثمرات این ارتباط 3](#_Toc396721121)

[نقش امین الدین استرآبادی 4](#_Toc396721122)

[مرحوم بهبهانی و جریان اخباری‌گری 4](#_Toc396721123)

[دیدگاه‌های اخباری‌ها 4](#_Toc396721124)

[دیدگاه اصلی 5](#_Toc396721125)

[تشریح این دیدگاه 5](#_Toc396721126)

[مشابهت اخباری‌گری با طریق عامه 5](#_Toc396721127)

[محل نزاع اخباری‌ها با اصولیین 6](#_Toc396721128)

[رویکرد اخباری‌ها نسبت به سند روایات 6](#_Toc396721129)

[مکاتب مختلف اصولیین 6](#_Toc396721130)

[انفتاحی ها 6](#_Toc396721131)

[نقطه اصلی تقابل با اخباری‌ها 7](#_Toc396721132)

[دیدگاه اصلی 7](#_Toc396721133)

[طریق حجیت خبر بر اساس این دیدگاه 7](#_Toc396721134)

[اختلاف با اخباری‌ها در نگاه به رجال 8](#_Toc396721135)

[انسدادی‌ها 8](#_Toc396721136)

[مهم‌ترین شخصیت‌ها 8](#_Toc396721137)

[دیدگاه اصلی 8](#_Toc396721138)

[شخصیت‌های انسدادی معاصر 8](#_Toc396721139)

[اشکالات انسدادی‌ها بر حجیت اخبار 9](#_Toc396721140)

[معنای انسداد 9](#_Toc396721141)

[تشریح اشکال انسدادی‌ها 9](#_Toc396721142)

[رویکرد انسدادی‌ها نسبت به اخبار 9](#_Toc396721143)

[تقریر این رویکرد 10](#_Toc396721144)

[خلاصه مباحث مذکور 10](#_Toc396721145)

[دیدگاه اول: اخباری‌ها 10](#_Toc396721146)

[دیدگاه دوم: انفتاحی ها 10](#_Toc396721147)

[دیدگاه سوم: انسدادی‌ها 11](#_Toc396721148)

[خاتمه: 11](#_Toc396721149)

بسم الله الرحمن الرحيم

# موضوع: فقه / اجتهاد و تقلید / مسئله تقلید - مقدمات

# مکتب اخباری‌گری

## شخصیت اصلی

یکی از برجسته‌ترین نمودهای نص گرایی و فاصله گرفتن از عقل‌گرایی به عنوان منبع و کاشف، جریان اخباری‌گری است. مهم‌ترین شخصیت این جریان در این دوره، بلکه شاید در کل ادوار فقه، مرحوم امین الدین استرآبادی می‌باشد.

## دستاوردهای این دوره

این نکته قابل ذکر است که بعضی گفته‌اند مهم‌ترین کتاب‌های حدیثی و خبری ما حاصل آن دوره‌ها یا شخصیت‌ها و مکاتبی است که به سمت اخباری‌گری و گرایشات حدیثی تمایل داشته‌اند. شاید این حرف درست باشد که موج اخباری‌گری در زمان امین الدین استرآبادی پیدا شد؛ اگرچه پیش از وی زمینه‌هایی وجود داشت. در همین دوره ما شاهدیم کتاب‌هایی همچون بحار و وسائل و وافی نوشته می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر سه مجموعه مهم حدیثی متأخر، به نحوی تحت تأثیر این موج قرار دارد. این مطلب تا حدی در مورد کتبی مانند کتاب مرحوم صدوق و کلینی هم صادق است. البته مرحوم شیخ جزو این گروه و طایفه به حساب نمی‌آید.

## ارتباط اخباری‌گری با دیگر جریانات و ثمرات این ارتباط

نکته دیگر این است که ارتباط موج‌های متمایل به عقل‌گرایی یا نص گرایی با جریانات سیاسی و حکومت‌ها و تأثیر و تأثری که روی یکدیگر داشتند نیز قابل بررسی است. ارتباط این موج‌ها با آن مجموعه‌های حدیثی و نوع آثار و کتاب‌هایی که تولید شده، موضوع قابل تأملی است. طبیعتاً این نوع تفکر، یک فرد یا مکتب یا جریان را به سمت تولید نوع خاصی از آثار و کتب سوق می‌دهد که این مطلب نیز قابل بررسی می‌باشد.

در طرف مقابل هم نمونه‌هایی وجود دارد. عقل‌گرایی مکتب بغداد و مکتب حله موجب شده تا ما آثار کلامی و به نحوی تفسیری و فقهی استدلالی بسیاری داشته باشیم. درحالی‌که جریان حدیث گرایی در ری و قم و در دوره‌هایی جریان‌هایی در اصفهان و بعضی شهرهای دیگر موجب شد تا کتب حدیثی فراوانی با آن محوریت تولید شوند.

بحث دیگری که در این راستا قابل مطالعه است، ارتباط این جریانات عقلی و نصی با حکومت‌ها و جریانات سیاسی‌ای است که در دامنه تفکر شیعی پیدا شده است. البته دخالت دست‌های سیاسی در هر دو جریان، ممکن بوده و تأثیر و تأثر متقابلشان قابل بررسی است.

## نقش امین الدین استرآبادی

مهم‌ترین جریان نص گرایی، همین اخباری‌گری امین الدین استرآبادی است که اندیشه‌ها و نقاط اصلی تفکر وی مورد اشاره قرار خواهد گرفت. کتاب «فوائد المدنیة» یکی از کتاب‌های امین الدین استرآبادی است که شاید مهم‌ترین کتاب وی در این زمینه باشد که در آن تمام اندیشه و نظریه و مکتب خود را منعکس کرده است. وی در این کتاب خواب‌هایی نیز نقل کرده که نوعاً خواب یا مکاشفه‌های خودش می‌باشد. او مدتی در مدینه و مدتی در مکه زندگی کرده و کتابش همچون کشکولی است که در آن با شواهد گوناگون رأی خودش را دنبال می‌کند. البته آن خواب‌ها و مکاشفات، اصل نظریه و تئوری‌اش نیست؛ ولی هر جا که لازم دیده است، به خواب و مکاشفه نیز تمسک می‌جوید و لحنش گاهی حماسی می‌شود. گاهی نیز نسبت به مخالفین با این که برایشان احترام قائل است و معمولاً از آن‌ها با عباراتی چون قدس الله سرهم و ارواحهم و امثال آن یاد می‌کند، درعین‌حال [به عنوان مثال] در مورد مرحوم ابن ادریس حلی می‌گوید: هذا المستأجر الجسور. گاهی سخن و نوشته و تعبیراتش این‌گونه حماسی می‌شود. در مورد مرحوم علامه حلی که تقریباً سر جنگ اصلی‌اش در اینجا با اوست [به دلیل اینکه قدرت استدلال و اثرگذاری علامه در مقایسه با دیگران فوق‌العاده بالاست]، می‌گوید: ایشان مثل فخر رازی در عامه است که ذهنی قوی و استدلالاتی آن‌چنانی دارد. این‌گونه در عین تعریف، گوشه هم می‌زند.

استرآبادی در این کتابش به هر شاهدی برای اثبات نظر خودش تمسک می‌کند. با این که تمرکز او روی بحث احادیث ناظر به فقه است، درعین‌حال نظریه او فراتر از بحث فقه می‌باشد. خود او هم هر از چند گاهی گریزی به مباحثی فراتر از مباحث فقهی می‌زند؛ یعنی به سمت مباحث کلامی و فلسفی و امثال آن می‌رود و از اواسط کتاب به بعد صراحتاً به بحث‌های چندصفحه‌ای در مورد مسائل کلامی و اینکه چقدر در شناخت مسائل کلامی و فلسفی می‌توان به عقل ارزش داد، سخن رانده و نظریاتش را به قلمروهای دیگری غیر از فقه بسط داده است.

## مرحوم بهبهانی و جریان اخباری‌گری

مرحوم بهبهانی هم کتابی به نام «الفوائد الحائریة» دارد که در پاسخ به «فوائد المدنیة» استرآبادی است. استرآبادی مدتی در مدینه ساکن بوده و ارتباطش با علمای اهل سنت کم نبوده و با ایشان تعامل و رفت و آمد داشته است. گاهی هم در همین کتاب چیزهایی را از ایشان نقل می‌کند.

پس الفوائد الحائریة جواب مرحوم بهبهانی است به کتاب استرآبادی. البته هر دو بزرگوار کتاب‌های متعدد دیگری نیز دارند که قابل رجوع و مطالعه است. اکنون باید دید محورهای مهم اندیشه و تئوری امین الدین استرآبادی که دیگران نیز از آن پیروی کردند، گرچه مثل صاحب حدائق با تعدیلات زیاد، چیست.

## دیدگاه‌های اخباری‌ها

این مباحث را می‌شود در چند محور خلاصه کرد که چند محور اول، محورهای عمده و زیر بنایی و بعضی هم محورهای فرعی هستند.

### دیدگاه اصلی

اولین و مهم‌ترین نکته این نظریه و تئوری در مقابل اصولیین این است که اخبار و احادیثی که از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین به دست ما رسیده است، به صورت مطلق دارای یک جایگاه محوری در فهم معارف، به ویژه در شناخت احکام و پی بردن به آنچه ائمه از ما می‌خواستند، هستند.

روح الفوائد المدنیة در حقیقت این است که رکن و محور اصلی، اخبار می‌باشد؛ همین اخبار و احادیثی که غالباً اخبار آحاد بوده و بخش معظمی از آن در کتب اربعه آمده است و بخشی هم در سایر کتب و منابع موجود می‌باشد. این نکته اصلی و پایه حرفی است که اخباری‌هایی مثل استرآبادی بر آن تأکید دارند و مبتنی بر این است که تمام اخبار آحادی که در این کتب اربعه آمده را باید گفت علی‌الاصول موردقبول است؛ چرا که محفوف به قرائن اطمینان آورند و خبر واحد محفوف به قرائن، اعتبار دارد. این یک مبنای کلی است که غالباً همه آن را قبول دارند. این کبرا را بر عمده اخباری که در کتب اربعه و غیر کتب اربعه آمده است، تطبیق می‌دهند. این صغرا و کبرا در حقیقت یکی از مهم‌ترین محورهای این سخن می‌باشد.

### تشریح این دیدگاه

همان‌طور که گفته شد، این کبرا را همه قبول دارند که خبر واحد محفوف به قرائن اعتبار دارد. قرائن لازم نیست علم به معنای منطقی یا برهانی به وجود بیاورد، بلکه علم به معنای عرفی کافی است. این کبرا موردقبول همه از جمله اصولیین است.

سخن اصلی استرآبادی و اخباری‌هایی ازاین‌دست این است که این گنجینه حدیثی که در دست شیعه است و این تراث حدیثی که امروز به دست ما رسیده و وزن اصلی آن در کتب اربعه است، مصداق این کبرای کلی می‌باشد. این احادیث غالباً محفوف به قرائن اطمینان آور هستند.

استرآبادی بر این ادعا ده‌ها شاهد از اخبار و تاریخ و سیره در کتابش نقل کرده و دیگران نیز در جاهای دیگر آورده‌اند تا این صغرا را ثابت کنند که این گنجینه حدیثی یا متواتر است و یا آحادی است که محفوف به قرائن می‌باشد. اگر این شواهد را کسی بپذیرد در حقیقت نگاهش به این گنجینه و تراث با آن نگاهی که در نقطه مقابل وجود دارد، خیلی فرق می‌کند.

طبق این نگاه عمدتاً این احادیث باید مورد اعتماد قرار بگیرد و دارای اعتبار و حجیت است و به این سادگی نمی‌شود از یک حدیثی که در کتب روایی آمده، چشم‌پوشی کرد. به عبارت دیگر آن‌ها معتقدند که به تعبیر امروزی ائمه طاهرین صلوات الله و سلامه اجمعین، خود ماندگاری این گنجینه را مهندسی کرده و تدابیر لازم برای اینکه این تراث باقی بماند و در دست شیعه دست به دست منتقل گردد و منبع اصلی آن‌ها باشد، اندیشیده‌اند.

این مهم‌ترین نگاه و اصل و عنصر رئیسی در این تئوری و نظریه است که این گنجینه، گنجینه معتبری است و نباید آن را دست کم گرفت. علی‌الاصول معتبر است.

## مشابهت اخباری‌گری با طریق عامه

بعید به نظر می‌رسد یک اخباری پیدا شود که قائل به این باشد که به هیچ روایتی نمی‌شود اشکال و نقد وارد کرد. کسی که بخواهد این‌گونه بگوید خیلی تند است؛ یعنی نگاهی مثل صحیح بخاری داشتن به طور کامل بعید به نظر می‌رسد، اگرچه به ظاهر شبیه به آن است. در عامه برای صحاح سته اعتبار خیلی بالایی قائل‌اند. در میان صحاح نیز برای صحیح بخاری، اعتباری ویژه‌تر قائل‌اند. این نگاه اخباری نسبت به کتب اربعه و البته در بین کتب اربعه نسبت به کتابی مثل کافی، جایگاه بیشتری دارد؛ اگرچه دقیقاً مثل آن نیست، ولی تقریباً چنین است.

عامه روی صحیح بخاری و احیاناً بعضی صحاح دیگر یا همه صحاح اعتماد ویژه‌ای دارند. اخباری‌های ما هم روی گنجینه کتب اربعه و احیاناً بعضی کتب دیگر اعتماد ویژه‌ای دارند و عمدتاً آن‌ها را محفوف به قرائن دانسته و اصلاً مصداق خبر واحد مجرد از قرائن نمی‌دانند.

## محل نزاع اخباری‌ها با اصولیین

در توضیح خبر باید گفت: خبر یا متواتر است و یا واحد و خبر واحد هم گاهی همراه با قرینه است و گاهی بدون قرینه. خبر واحد بدون قرینه محل بحث ماست که آیا اعتبار دارد یا خیر و اگر دارد شرایطش چیست؟ اما خبر واحد محفوف به قرینه، همه اتفاق دارند که معتبر است.

## رویکرد اخباری‌ها نسبت به سند روایات

در مورد سند باید گفت این‌طور نیست که اخباری‌ها نسبت به آن بی‌توجه باشند، بلکه آن را به عنوان یکی از ده‌ها قرینه‌ای می‌دانند که می‌شود به آن اعتماد کرد. ازاین‌رو نسبت به توثیقاتی که وارد شده، بی‌اعتنا نیستند؛ ولی به تضعیفات خیلی توجه نمی‌کنند؛ زیرا قرائن را نسبت به این تضعیف‌ها متعدد و مستفیض می‌دانند و لذا خیلی برای آن اهمیت قائل نیستند. این اساس نظریه ایشان است و اصلاً تفاوت مکتب اهل‌بیت با عامه را در این می‌دانند که عامه به حدیث بی‌توجه بودند و گنجینه حدیثی نداشتند. احادیث ایشان به خاطر مخالفت‌هایی که با نقل حدیث وجود داشت، با فاصله چند دهه پایه‌ریزی و شکل گرفته است. به علاوه ایشان بعد از پیغمبر هم قائل به مرجعیت کسی نبودند که برای سخنانش اعتباری قائل باشند. ما در همه این مسائل با عامه تفاوت داریم. هم اهتمام به حدیث از سوی خاصه بیشتر بوده و هم دایره حدیث ایشان به دلیل حجت دانستن حدیث و اعتقاد به ولایت و عصمت ائمه، وسیع‌تر از عامه است.

پس این گنجینه، گنجینه‌ای است که نمی‌شود به راحتی از آن عبور کرد. البته ممکن است کسی بررسی‌هایی انجام داده و بگوید فلان خبر قابل اعتماد نیست؛ ولی علی‌الاصول، اصل بر حجیت اخباری است که در تراث حدیثی شیعه به ارث رسیده است. این همان محور اساسی و مهم نظریه اخباری‌ها در مقابل اصولیین است که خود طیف‌های مختلفی دارند. در حقیقت اصولیین را به طور عمده می‌توان به دو گروه انفتاحی و انسدادی تقسیم کرد.

# مکاتب مختلف اصولیین

## انفتاحی ها

انفتاحی‌ها نزدیک‌تر به اخباری‌ها هستند، اگرچه دیدگاهشان متفاوت است. ایشان می‌گویند برای پاسخ دادن به این علم اجمالی که خداوند احکامی دارد، این روایات موجود می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

### نقطه اصلی تقابل با اخباری‌ها

انفتاحی‌ها ازاین‌جهت که برای تراث حدیثی شیعی به طور اولیه و مستقیم اعتبار قائل‌اند، نزدیک به اخباری‌ها هستند. با این تفاوت که اخباری‌ها قائل‌اند اکثر قریب به اتفاق روایات، محفوف به قرائن بوده و موردقبول هستند؛ اما انفتاحی‌ها معتقدند ما کل اخبار را با یک اصل کلی نمی‌توانیم برانیم؛ بلکه نیاز به این داریم که آن‌ها را مورد نقد و بررسی سندی قرار بدهیم. برای بررسی سندی طبعاً نیازمند رجال و درایه هستیم. این همان چیزی است که در بین عامه هم بوده است. عامه هم برای اخبار، یک نظام رجال و درایه‌ای داشتند. بسیاری از این واژگان درایه ما از آنچه در اصول عامه بوده، استعارت گرفته شده است. این همان کارهایی است که بیشتر در مکتب حله به خصوص انجام شد.

### دیدگاه اصلی

بر اساس دیدگاه انفتاحی‌ها اخبار آحاد معتبر وجود دارد، ولی این‌طور نیست که همه اخبار موجود، محفوف به قرائن باشند. انفتاحی‌ها در این نکته با اخباری‌ها تفاوت دارند که معتقدند همه اخبار موجود، محفوف به قرائن اطمینان آور نیستند؛ بلکه این اخبار را باید در دستگاه حجیت خبر ثقه و خبر واحد بریزیم. حال یکی می‌گوید خبر عادل، یکی می‌گوید خبر ثقه و بعضی دیگر بیشتر ریز شدند و تقسیم خبر به صحیح و ثقه و حسن و معتبر و آن تعابیر اصولی را ارائه دادند. البته در بین متأخرین آقای خویی و خیلی‌های دیگر از آن اصطلاحات ریز و تقسیم‌بندی‌های درایه فاصله گرفته و گفته‌اند: خبر یا موثق است یا غیر موثق و آن ریزه‌کاری‌ها را فاقد اثر دانستند. به‌هرحال انفتاحی‌ها معتقدند این اخبار در ابتدا محفوف به قرائن نیستند، بلکه باید در دستگاه حجیت خبر واحد قرار بگیرد.

### طریق حجیت خبر بر اساس این دیدگاه

حال آن دستگاه چیست؟ کبرای آن را در اصول بحث می‌کنند که مربوط به حجیت خبر واحد و ملاک‌هایش می‌شود. بعد بر آن اساس می‌گویند ما نیاز به نقد سندی داریم. برای نقد سندی علم رجال و تا حدودی درایه لازم است. حال در این که چقدر درایه مورد نیاز است، بین اصحاب درایه و اصولیین همین طیف، اختلاف نظر وجود دارد؛ اما این که رجال لازم است را همه قبول دارند. انفتاحی‌ها معتقدند علم رجال باید مورد توجه قرار گیرد و آن وقت است که بحث منابع رجالی و سایر مباحث رجالی مطرح می‌شود؛ درحالی‌که امین الدین استرآبادی و دیگر اخباری‌ها معتقدند کتب رجالی و امثال آن، تنها یک کمک است که در حاشیه کار می‌توان از آن استفاده کرد؛ و لذا علم رجال را در حاشیه می‌دانند. ازاین‌رو نتیجه می‌گیریم که یکی از بزنگاه‌های سخن اخباری‌ها، نفی رجال و درایه به عنوان علومی که جزء مقدمات فهم حدیث باشد، است. با این استدلالات می‌گویند رجال و درایه اموری تزئیناتی هستند. اموری که در صورت قرینه ساز بودن، می‌شود از آن‌ها استفاده کرد و گرنه برای آن ارزش ذاتی به عنوان یک منبع قائل نیستند.

استرآبادی می‌گوید اگر نگاهی به احادیث موجود بیندازیم، مطمئن می‌شویم که ائمه خودشان ماندگاری این احادیث و اینکه ثقل حرکت شناخت معارف الهی توسط اهل‌بیت باشند را تدبیر کرده‌اند.

### اختلاف با اخباری‌ها در نگاه به رجال

اصولیین انفتاحی با اخباری‌ها این تفاوت را دارند که: 1. اخباری‌ها معتقدند این کل علی‌الاصول موردقبول است؛ ولی انفتاحی‌ها قائل‌اند این کل علی‌الاصول موردقبول نیست. 2. اخباری‌ها معتقدند ما نیاز به رجال و درایه نداریم، بلکه این‌ها همه عاریت از عامه است. ولی انفتاحی‌ها قائل‌اند ما به آن‌ها نیاز داریم؛ زیرا منطق استدلال چنین حکم می‌کند. علاوه بر این رجال و درایه ما با رجال و درایه عامه تفاوت دارد. ولی به‌هرحال اصل نیاز به این علوم، به خصوص علم رجال، یک قاعده عقلایی است و مبنای عقلایی و روش‌شناختی عقلایی دارد.

## انسدادی‌ها

مباحث مذکور نسبت به انفتاحی‌ها بود؛ و اما نسبت به انسدادی‌ها، به یک معنا فاصله خیلی زیاد است و به یک معنا فاصله کمی کم می‌شود.

### مهم‌ترین شخصیت‌ها

مهم‌ترین شخصیت انسدادی‌ها در دوره‌های متأخر، مرحوم میرزای قمی است. کتاب قوانین، مبنایش انسداد است و مرحوم شیخ هم نسبت به انسداد یک عنایت خاص دارد. جالب است بدانیم در اینکه شیخ، انسداد را کاملاً نفی می‌کند یا به گونه‌ای متمایل به انسداد است، اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی غالباً ظاهر کلمات شیخ نفی انسداد را می‌رساند. همچنین بعضی به حضرت آقای زنجانی نسبت می‌دهند که ایشان نیز به نظریه انسداد تمایل داشته یا دارند و گاهی کلمات شیخ را به گونه‌ای تفسیر می‌کردند که تمایل شیخ به انسداد را نشان می‌داده است. البته بعضی هم ادعا کردند که ایشان بعدها از حرفشان برگشته‌اند.

### دیدگاه اصلی

انسدادی‌ها معتقدند که به دلایل گوناگون و شبهات مختلف، اخبار آحاد معتبر چندان زیاد نیستند؛ به‌عبارت‌دیگر انسدادی‌ها از این نظر، کاملاً در نقطه مقابل اخباری‌ها و انفتاحی‌ها قرار می‌گیرند. اخباری‌ها می‌گفتند علی‌الاصول روایات موجود در کتب حدیثی به خصوص در کتب اربعه، معتبر است. انفتاحی‌ها هم قائل به تفصیل شدند که با یک معیارهایی بخشی از روایات، معتبر و بخشی دیگر، غیر معتبر است. این همان مبنایی است که امروزه مبنای غالب اجتهادات موجود می‌باشد. ولی انسدادی‌ها معتقدند روایات غالباً با اشکالاتی مواجه هستند. یا سند اشکال دارد، یا خود کتاب رجالی اشکال دارد، یا از حیث این که نقل به معنا جایز بوده، اشکال ایجاد می‌شود و اشکالاتی از این قبیل.

### شخصیت‌های انسدادی معاصر

بعضی از معاصرینی که در حوزه بودند و سپس به دانشگاه رفتند و در این زمینه کار کردند، انسدادی شدند. نمونه‌اش آقای دکتر فیض است که خود صاحب کتاب می‌باشد. در حوزه هم در حال حاضر به حضرت آقای زنجانی نسبت داده شده که ایشان به نحوی انسدادی‌اند.

### اشکالات انسدادی‌ها بر حجیت اخبار

به‌هرحال به لحاظ این که تعداد روات معتبر کم است، تعارض در توثیق و تعدیل زیاد است، یا به لحاظ این که کتب مهم رجالی ما خیلی قابل اعتماد نیستند، یا توثیقاتشان حدسی است نه حسی؛ همچنین به دلیل نقل به معنایی که تجویز شده بود، مشکلاتی در مسیر اعتبار روایات پیش می‌آید.

پس چند دلیل و نکته کلیدی بر اساس دیدگاه انسدادی‌ها ذکر شد: 1. اعتبار کتب رجالی زیر سوال است. 2. وقتی نقل به معنا جایز شود، به شکل عبارت‌ها نمی‌شود خیلی اعتماد کرد. 3. اگر دقت کنیم، تعداد روات معتبر زیاد نیست، به اضافه تعارض‌هایی که وجود دارد. مجموعه‌ای از این نکات ممکن است کسی را به نقطه انسداد برساند.

### معنای انسداد

انسداد یعنی راه ظن خاص و مسیر خبر واحد بسته است و از این مسیر نمی‌شود به جایی رسید. البته در این کتب، روایت معتبر هم هست. ممکن است که اخبار مستفیض و محفوف به قرائن هم باشند؛ اما تعدادشان خیلی کم است.

### تشریح اشکال انسدادی‌ها

یا باید به لحاظ کبروی در اصل حجیت خبر واحد اشکال کرد و یا به لحاظ صغروی؛ بدین ترتیب که گفته شود این اخبار نمی‌تواند مصداق خبر واحد حجت باشد. انسداد از یکی از این دو راه عبور می‌کند. نتیجه‌اش بسته شدن باب خبر است که فاصله زیادی با نظر اخباری‌ها دارد.

پس از آن که کسی انسداد را پذیرفت و باب خبر را منسد دانست، آن وقت می‌گوید دلیل انسداد پنج مقدمه دارد. نتیجه آن استدلال پنج‌ضلعی و پنج مقدمه‌ای این است که مطلق ظن، حجت است. این خیلی نزدیک به آن چیزی است که عامه هم دارند، مبنی بر اینکه به ظنون می‌شود عمل کرد.

انسدادی‌های ما به دلیل روایات قیاس و استحسان می‌گویند ظنون خاصه، استثنا هم دارند. قیاس و استحسان را باید استثنا کرد؛ ولی ظنون دیگر معتبرند.

### رویکرد انسدادی‌ها نسبت به اخبار

نکته ظریف دیگر این است، پس از آن که کسی قائل به انسداد و مطلق ظن شد، اگر کسی در ظنون سلسله‌مراتب قائل بشود که بعضی‌ها هم این کار را کرده‌اند، آن وقت اغلب ظنون را اخذ می‌کنیم. این نگاه خیلی نزدیک به اخباری‌هاست و بر این اساس می‌توان گفت اخباری که در کتب اربعه آمده، اقرب الظنون هستند؛ یعنی ظن بهتری می‌آورد. بر این اساس در باطن انسدادی‌ها به گونه‌ای به اخباری‌ها نزدیک می‌شوند؛ درحالی‌که در نگاه اول فاصله زیادی داشتند.

### تقریر این رویکرد

انسدادی‌ها در تقریر این مسئله ابتدا می‌گویند روایات به درد نمی‌خورند. سپس می‌گویند ولی ما می‌دانیم خداوند احکامی دارد. در شناخت احکام، هم راه علم و هم راه ظنون معتبر خاص بسته است. پس باید راه مطلق ظن را بپذیریم. یکی از مصادیق مطلق ظن، همین اخبار است؛ و این‌گونه در نظریه انسداد اخبار بار دیگر زنده می‌شوند؛ البته بدون ملاحظات رجالی که انفتاحی‌ها دارند. دیگر ضرورتی ندارد تک تک اخبار را بررسی کرد، بلکه همین که یک ظن مطلق ایجاد شود، می‌توان به آن اخبار عمل کرد. این اولین محور بحث بود.

# خلاصه مباحث مذکور

### دیدگاه اول: اخباری‌ها

خلاصه محور اول بحث این است که مهم‌ترین ثقل نظریه اخباری‌ها اعتماد بر احادیث و اخبار موجود به عنوان اخبار محفوف به قرائن قطعی و علمی و اطمینانی است؛ یعنی به گونه‌ای این اخبار را شبه متواتر فرض می‌کند. جمع‌بندی سخن این شد که در این بحث سه دیدگاه کلی وجود دارد: دیدگاه اخباری‌ها با طیف خودشان که معتقدند اخبار موجود در کتب روایی به خصوص کتب اربعه، محفوف به قرائن قطعیه‌اند و خبر محفوف به قرائن قطعیه، حجت است و لذا اکثر قریب به اتفاق این اخبار، اعتبار دارند. همچنین علم رجال و درایه را به عنوان یک علوم محوری محسوب نمی‌کنند، بلکه علومی کمکی می‌دانند که می‌تواند آن قرائن را تقویت کند. اخباری‌ها همچنین قائل‌اند که ممکن است اخباری قرائن قطعی پیدا نکند، یا قرائن خلاف پیدا کند؛ ولی علی‌الاصول این‌گونه نیست.

این دیدگاه اول، یعنی دیدگاه اخباری‌ها بود که عبارت است از: اعتماد بر حدیث و قرائن کلیه‌ای که حافه به آن‌هاست و نفی رجال و درایه.

### دیدگاه دوم: انفتاحی ها

دیدگاه دوم، دیدگاه اصولیون انفتاحی است که دیدگاه غالب بر فضای اجتهادی ما در زمان حاضر و خیلی از ادوار بوده است. هم در مکتب بغداد، هم در حله و هم در مکتب بهبهانی و شیخ انصاری. طبق این دیدگاه، اخبار منقول در کتب روایی نه آن‌قدر کم‌بهاست و نه آن‌قدر بهای آن زیاد است، به گونه‌ای که اخباری‌ها گفته‌اند. این اخبار، یک مجموعه است و کل این مجموعه یا اکثریتش، محفوف به قرائن نیستند؛ بلکه ابتدا باید در قالب حجیت خبر واحد بررسی شوند. این همان نگاه انفتاحی‌هاست که می‌گویند خبر واحد به شرط ثقه بودن راوی، حجت است. در اخبار موجود هم اخبار ثقه کم نیست که تماماً اعتبار دارند و حجت‌اند.

باید توجه داشت بر اساس دیدگاه انفتاحی، خبر واحد ثقه، جزو ظنون است. فرق دیدگاه آن‌ها با اخباری‌ها در همین است که اخباری‌ها این دسته از اخبار را قطع می‌دانند؛ درحالی‌که ایشان آن‌ها را جزو ظنون می‌دانند؛ البته ظنونی که پشتوانه‌اش علم است؛ چون حجیت خبر واحد ثقه، قطعی است. اگرچه خودش جزو ظنون است، ولی به علم منتهی می‌شود. پس از دیدگاه انفتاحی‌ها اعتبار اخبار در قالب حجیت خبر واحد تعیین می‌شود و اگر معتبر بود، ظن آور است؛ گرچه اعتبارش به علم و عقل می‌رسد. این هم دیدگاه دوم بود که بر اساس آن نیاز به علم رجال و درایه وجود دارد.

### دیدگاه سوم: انسدادی‌ها

نظریه سوم، نظریه انسدادی‌هاست که معتقدند اکثر اخبار محفوف به قرائن نیستند و معتبر به عنوان ظن خاص هم در بین آن‌ها چندان زیاد نیست. یا به خاطر این که کبرای حجیت خبر واحد محفوف به قرائن را نفی می‌کنند، یا اگر آن کبرا را می‌پذیرند، از لحاظ صغروی چندین اشکال کلیدی مطرح می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که نمی‌توان آن‌ها را مصداق حجیت خبر واحدی که حجت است، دانست؛ لذا اعتبار ندارند. البته انسدادی‌ها نیز مثل اخباری‌ها، خیلی به علم رجال و درایه نیاز ندارند؛ گرچه قائل‌اند می‌توان از این علوم کمک گرفت. ایشان از این جهت با اخباری‌ها تفاوت دارند که اخباری‌ها این اخبار را علم می‌دانند، ولی انسدادی‌ها حتی آن‌ها را ظن خاص هم نمی‌دانند. پس از نظر دیدگاه، فاصله زیادی دارند. ولی از این جهت مشابهت دارند که رجال و درایه را خیلی مهم نمی‌دانند. همچنین از این جهت که وقتی بنا بر نظر انسدادی‌ها، مطلق ظن حجت شد، این اخبار هم یکی از مصادیق ظنون محسوب و حجت می‌شوند؛ ولی نه از باب خبر محفوف به قرائن. پس انسدادی‌ها اکثر این اخبار را به عنوان مطلق ظنون قبول می‌کنند.

# خاتمه:

این بحث اول بود که محور سخن، اخباری‌ها بودند. سه نظریه عمده در اینجا وجود داشت که مطرح شد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.